

ویژگی اساسی دارد یکی اتخاذ به مکتب و دیگری اتخاذ آن مردم است، که این نهادها با همکاری یکدیگر هویت انقلاب را می سازند و حقیقت انقلاب و اسلام را در سراسر کشور حفظ می کنند آنچه که اکنون در مورد نهادهای کشور می توان گفت و روی آن باید تاکید کرد و آنرا نسبت به یک اعتبار همگانی و ریشه دار تکرار کرد، اینست که تصویری بر استقرار انقلاب اسلامی است و با سرنوشت انقلاب اسلامی پیوستگی دارد این نهادهای انقلاب اسلامی از درون ملت و با تبلور آن تیره ها و آرمانهای برآمده از انقلاب در زمان خودشان توانسته اند بصورت محورهایی در آیند که جامعه ما را متحول و دگرگون سازند و در همه جای کشور بخشهای مختلف این آب و خاک بتوانند تحولی را بوجود بیاورند. اگر به گذشته نگاهی بکنیم، کشور ما توانسته پیشرفتهایی داشته باشد که بدون جهاد و دیگر ارگانها و انجمنهای اسلامی نمی توان آنرا تصور کرد و پذیرفت که بتوان به این نقطه رسید هم اکنون تحولات عظیمی که در سراسر منطقه اتفاق افتاده و یا در حال اتفاق افتادن است متأثر و ناشی از انقلاب اسلامی است، و یا تأثیری که انقلاب ما توانسته در تمام کشورهای اسلامی ایجاد کند و آنها را در معرض هجوم ارزشهای اسلامی قرار دهد باعث شده که آنها خود را در قالب پوشش اسلامی قرار دهند و از یکسری مراسمی که نشانگر مفاسد است کناره بگیرند این مسائل نشاندهنده این است که انقلاب ما صادر شده است و ارزشهای انقلاب نمی تواند مورد بی توجهی ابر قدرتها و توطئه های گوناگون آنها باشد. آنها منتظر فرصت مناسب برای اجرای توطئه های خود در شکل و قالبهای مختلف هستند، تا ماهیت این انقلاب را از بین ببرند و در دراز مدت ساختار اساسی این نظام را مورد حمله قرار دهند و بکتوح نارضایتی یا توطئه ها و شیوه های مختلف در سطح کشور ایجاد کنند. نهادها و نیروهای انقلابی ما باید همواره هوشیار باشند و فریب پیروزیهای بدست آمده را نخورند و سعی کنند موانع پیشرفت را از بین ببرد، راههای رشد را تقویت کنند و ارتباطات خودمان را نیز با خارج از کشور برای قویتر کردن فرهنگ انقلاب گسترش دهیم، بطوری که ایمان و حرکت ما جلوتر از سایر قدرتها و مخالفین باشد و آنها نتوانند به انقلاب ما صدمه بزنند. چنانکه تاکنون عملکرد نهادهای انقلاب نشان داده است که ایثارگرا نه این مسئولیت را پذیرفته اند و وظایف خاص خودشان را در جامعه پیاده کرده اند. هر قدر از زمان می گذرد ما دید روشن تری نسبت به بسیج، انجمنهای اسلامی، و جهاد و... پیدا می کنیم، اگرچه ممکن است در مورد این نهادها مسائل حل نشده ای از نظر تشکیلات، سازماندهی و شکل حقوقی وجود داشته باشد ولی اینها هیچکدام نمی تواند به این معنی باشد که ما زمانی تصور کنیم انقلاب اسلامی ما بی نیاز از این نهادهای انقلاب باشد، مثلا الان



✱ نظام ما متحول شده و توانسته است تشکیلات و سازمانهای گذشته را ویران کند، بنابراین اکنون باید وظایفی مشخص شود تا ناهماهنگی های موجود را از بین ببرد.

✱ نهادهای انقلاب اسلامی از درون ملت و با تبلور آرمانهای برآمده از انقلاب ایجاد شده اند و توانسته اند در زمان خودشان بصورت محورهایی درآمد و جامعه ما را متحول و دگرگون سازند.

برادران کمیته فرهنگی جهاد سازندگی استانها در چهارمین روز سمینار سراسری کمیته فرهنگی به حضور نخست وزیر جمهوری اسلامی برادر میر حسین موسوی رسیدند. در این دیدار نهادهای هلال احمر و سازمان جوانان نیز حضور داشتند و برادر موسوی در جمع این برادران سخنانی ایراد کرد. ایشان سخنان خود را با نام خدا و درود به امام امت و آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی خرمی و آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آیت الله العظمی تهرانی که در گوشه و کنار کشور همگام با کارهای عمرانی به کارهای فرهنگی می پردازند شروع کرد و پیرامون نقش اساسی نهادهای انقلاب اسلامی گفت: «نهادهای انقلاب دو

✱ تحولات عظیمی که هم اکنون در سراسر منطقه ایجاد شده و یا در حال ایجاد شدن است متأثر و ناشی از انقلاب اسلامی و اثرگذاری آن است.

در مورد اسانامه جهادسازندگی بحثهایی وجود دارد و نیاز به یک کم و کاستی در اسانامه است. ولی این مسائل نمی‌تواند مسأله هستی جهاد را مورد بحث قرار دهد. جهاد فرزند خلف این انقلاب است و باید هم وجود داشته باشد و تقویت بشوند. اما مسأله مهمی که وجود دارد اینست که نظام جامعه ما متحول شده و تشکیلات و سازمانهای گذشته را ویران کرده است. بنا بر این اکنون باید وظایفی مشخص شود تا ناهماهنگی‌های موجود را از بین ببرد. و این طبیعی‌ترین چیزی است که در یک انقلاب عظیم و پر جوشش می‌تواند وجود داشته باشد. اگر امام امت آن بیانیه را در مورد نهادها می‌دیدند، تنها به نهادها مربوط نمی‌شود به ادارات نیز ارتباط پیدا می‌کند. اگر دقیقاً به محتوای بیانیه توجه شود، به این معنا نیست که وجود و یا فلسفه وجودی نهادها مورد تهدید قرار گرفته، بلکه به این

نهنه در درون انسانها، تشکیل شد. این نهادها با توجه آن مسائلی که در قبل با آن روبرو بودند به همه جا سر می‌زنند و دانشان می‌خواست در همه کارها دخالت کنند و همه جا را اصلاح کنند. با این خصوصیات دانما در حال فراتر رفتن از مرزهایی که در یک نظام برای مقامی تدوین شده است می‌باشند. این مسائل در انقلاب یک چیز طبیعی است. زیرا فردی که ایشان گر از همه کار خود دست بر می‌دارد و به یک نهاد انقلابی، مثلاً جهاد می‌رود و از آنجا هم روانه روستاهای دور افتاده می‌شود. این فرد تنها به فکر رفع خرابیها نیست، فرضاً برود در فلان روستا یک حمام بسازد و یا مسجدی را تعمیر کند و دیگر به کارهای متفرقه کاری نداشته باشد. بلکه روحیه انقلابی او این مسأله را نمی‌پذیرد. او در حین آنکه به کار عمرانی و مرمت و تعمیرات می‌پردازد، به مسائل دینی و سیاسی هم توجه می‌کند و دانما هوشیار است که اگر هر لحظه در معرض

انقلاب برای حفظ انقلاب و اسلام تداخل لازم و جایز بود ولی الان موقعیت متفاوت شده است. موقعیت طوری است که نظام ثبات یافته، ولی عطش ما برای مبارزه و مقابله با استکبار جهانی فرونشسته و خطرناک هم کم شده. اما نیروهای نظامی و امنیتی در جامعه و انقلاب ما سازمان یافته شده و می‌تواند در مقابل خطرات احتمالی، قوی برخورد کند. در چنین شرایطی مرز تعیین می‌شود و باید از حساسیت‌هایی که قبلاً وجود داشته کم کرد و با نرمش و عطف‌ت اسلامی برخورد شود. تا یک نوع تعادل برای حفظ امنیت در سطح جامعه بوجود بیاید و سبب رشد و شکوفایی بیشتر انقلاب گردد.

برادر میرحسین موسوی در پایان راجع به نهادهایی که به نحوی درگیر مسائل فرهنگی هستند اشاره کرد و گفت: در پایان اشاره‌ای به کمیته‌های فرهنگی می‌کنم و قبلاً هم در رابطه با تصویب

سخنرانی برادر میرحسین موسوی در سمناسراسری کمیته فرهنگی جهادسازندگی

فرهنگ انقلاب توسط جهادسازندگی به روستاها رفته‌است

معناست که ما باید به چه سونی حرکت کنیم تا پر قدرت تر از همیشه در صحنه حاضر باشیم و بی عیب تر از همیشه در پیشرفت انقلاب و نگهداری هویت اسلامی انقلاب چه در ادارات و یا نهادها و کارخانجات مؤثر واقع شویم. مسأله نهادها چیزی نیست که با یک اشکالی بتوان آن را اثبات و یا نفی کرد. نقش و بیوستگی آنها به انقلاب هر روز بیشتر و فویتر در جامعه، اثبات میشود که باید حضور داشته باشند. منتهمی باید فلسفه وجودی نهادها در رابطه با صلاحیت آنها مورد بحث قرار گیرد و همیشه بلزنگری و انتقاد نسبت به گذشته و عملکردها وجود داشته باشد. زیرا اگر قدرت ارزیابی و نقد و انتقاد در نهادها نباشد و مدام در فکر اصلاح خودشان نباشند، یقیناً تضعیف خواهد شد.

وی سپس به مسأله محدودیت فعالیت کمیته فرهنگی جهادسازندگی جهت جلوگیری از تداخل عمل در وضعیت این نهاد اشاره کرد و افزود: بعد از انقلاب، نهادها برای آزاد سازی انرژی بی پایان

خطر توطئه در چهره‌های گوناگون قرار گرفت. انقلاب خود را حفظ کند و مواظب باشد که ضربه نخورد.

طبیعتاً این مسائل بر همه نهادها وجود دارد و تداخل در کارها را بوجود می‌آورد و تراحمهایی را ایجاد می‌کند. البته این مسائل از یکطرفی طبیعی است و از سوی دیگر اگر با آن برخورد نشود و راه حل صحیحی برای آن در نظر گرفته نشود و نتوانیم این انرژی‌های آزاد شده را، که اسلام آنها را آزاده کرده، حرکتشان را مشخص کنیم تا بهتر به راهشان ادامه دهند، صدمه شدیدی به انقلاب می‌خورد و ممکن جلوی رشد انقلاب گرفته شود.

در اینجاست که مسأله رهبریت شکل می‌یابد. امام و رهبر کبیر این مسائل را می‌بیند و گله‌ها را می‌شنود و فراز و نشیبها را تشخیص می‌دهد. زمان را مناسب برای نظارت و دلوری می‌یابد. خط می‌کشد و مرز تعیین می‌کند. که مثلاً فلان عمل و کار ممنوع، ممکن است همین کارهایی که اکنون امام آنها را جایز نمی‌دانند در یک شرایط وجودی از

اسانامه فرهنگی جهادسازندگی گفتیم. حذف ایر بند از قانون، بدان معنی نیست که جهادسازندگی از ادامه وظیفه‌اش منع شده باشد. بلکه باید در ادامه راه سعی کند از انسانهای متعدد و علاقمند و با فرهنگ اسلامی نیز جهت بارورتر ساختن فرهنگ اصیل اسلام استفاده کند و خودش را با آرگانهایی که در طلب نشر فرهنگ انقلاب اسلامی هستند هماهنگ کند. تا به هیچ نوع اشکالی برخورد نکند. چنانکه هیچکس نیست که در نظام جمهوری اسلامی به این مسأله وقوف نداشته باشد که فرهنگ انقلاب توسط جهادسازندگی به روستاها رفته است و الان نافذترین نیروها علاوه بر فعالیتهای خدماتی در روستاها جهادسازندگی است، چنانکه سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت ارشاد و دولت نمی‌تواند بی نیاز از فعالیتهای عظیم کمیته فرهنگی جهادسازندگی باشد. و ما معتقد هستیم جهادسازندگی همچنان این رسالت را باید با هماهنگی دیگر نهادها، بر دوش بگیرد و در این جهت چنان گذشته فعالیت نماید.